

سلامت و رفاهیت



دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

**بررسی کاربردی قاعده لایذهب دم امرء مسلم هدرأ
در متون فقه امامیه**

استاد راهنما:

دکتر علیرضا عابدی سرآسیا

استاد مشاور:

دکتر سید محمدهادی قبولی درافشان

دانشجو:

داود صابری

بهمن ۱۳۹۸



بسمه تعالی
دانشگاه فردوسی مشهد

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه آقای داود صابری دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی در ساعت ۱۲ روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ در محل اتاق شورای دانشکده الهیات با حضور امضاکنندگان ذیل تشکیل گردید. پس از بررسی‌های لازم، هیئت داوران پایان نامه نامبرده را با نمره به عدد ۱۸.۱ و به حروف هجری ۱۸ و ۱ و با درجه بسیار خوب مورد تأیید قرار داد.

عنوان پایان نامه:

کاربرد قاعده «لا یدهب دم امری مسلم هدرا» در متون فقه امامیه

هیئت داوران

امضا

• داور: دکتر محمد صادق علمی سولا

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• داور و نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عباسعلی سلطانی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد راهنما: دکتر علیرضا عابدی سراسیا

استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• استاد مشاور: دکتر سید محمد هادی قبولی دراقشان

استادگروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

• مدیر گروه: دکتر محمد تقی فخرلی

استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد



اصالت‌نامه پایان‌نامه‌های دانشگاه فردوسی مشهد

نظر به اتمام تدوین □ رساله ■ پایان‌نامه با عنوان بررسی کاربردی قاعده لایذهب دم امرء مسلم هدرآ در متون فقه امامیه و کد ----- موارد ذیل را متعهد می‌شویم:

- این پایان‌نامه و دستاوردهای آن حاصل پژوهش انجام شده اینجانبان بوده و از صحت و اصالت برخوردار است.
 - در استفاده از نتایج سایر پژوهش‌ها به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
 - کلیه حقوق مترتب از این اثر شامل مستندات، مقاله، اختراع، دانش فنی، کتاب، نرم‌افزار، تجهیزات ساخته‌شده و ... متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد؛ دانشگاه می‌تواند نسبت به ثبت و نشر آن در هر قالبی، بدون نیاز به کسب اجازه از استادان راهنما و دانشجو و یا پرداخت حق‌الزحمه، اقدام نماید.
 - هر نوع بهره‌برداری و انتشار دستاوردهای این اثر، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه‌برداری، ترجمه و اقتباس از این اثر بدون مجوز معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه ممنوع است.
 - حقوق مادی و معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اثر تأثیرگذار بوده‌اند در بهره‌برداری و انتشار دستاوردهای آن رعایت می‌شود.
 - در کلیه مراحل انجام این پایان‌نامه، مفاد "منشور و موازین اخلاق پژوهش" رعایت شده و هیچ‌یک از مصادیق تخلفات پژوهشی مندرج در دستورالعمل "نحوه بررسی تخلفات پژوهشی" و قانون "پیشگیری و مقابله با تقلب در زمینه آثار علمی" رخ نداده است.
- اینجانب با آگاهی از اینکه گزارش نهایی پایان‌نامه در مرکز اطلاع‌رسانی و کتابخانه مرکزی دانشگاه به عنوان سند رسمی بایگانی می‌گردد و مطابق ضوابط در دسترس مراجعان قرار می‌گیرد، متعهد می‌شوم که این گزارش نسخه نهایی بوده و پس از ارسال امکان هیچ‌گونه تغییری وجود نخواهد داشت.

| | |
|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|
| پایان‌نامه انجام شده توسط دانشجو مطابق آیین‌نامه‌ها و قوانین مصوب فوق‌الذکر با استفاده از ابزارهای موجود نظیر همانندجویی و سایر جستجوهای عمومی اینترنتی بررسی شد و مورد تایید اینجانبان می‌باشد. | دانشجو: داود صابری |
| | شماره دانشجویی: ۹۷۲۳۶۲۲۰۵۸ |
| | گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی |
| | تاریخ و امضا |

استاد راهنمای اول: دکتر علیرضا عابدی سرآسیا

مرتبه علمی: استادیار

دانشکده/ دانشگاه: دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری / دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ و امضا

تقدیم به ساحت مقدس حضرت زهرا سلام الله علیها و خون‌های به
ناحق ریخته شده‌ی شهدای مدافع حرم و شهیده‌ی اربعین که هرچه دارم
از اوست



باسمه تعالی

مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان پایان نامه: بررسی کاربردی قاعده لایذهب دم امرء مسلم هدرآ در متون فقه امامیه

نام نویسنده: داود صابری

نام استاد راهنما: دکتر علیرضا عابدی سرآسیا

نام استاد مشاور: دکتر سید محمد هادی قبولی درافشان

| | | |
|-----------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------|
| رشته تحصیلی: الهیات و معارف اسلامی - فقه و مبانی حقوق اسلامی | گروه: فقه و مبانی حقوق اسلامی | دانشکده: الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری |
| تاریخ دفاع: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ | تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۷/۹ | |
| تعداد صفحات: ۱۰۰ | مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد <input checked="" type="checkbox"/> دکتری <input type="checkbox"/> | |

چکیده:

قواعد فقه از جایگاه ویژه‌ای در میان فقیهان برخوردار است. از تطبیق قواعد فقه که در بردارنده حکمی عام هستند، بر مصادیق خارجی‌شان احکام جزئی به دست می‌آید که بسیاری از این احکام، کاربردی مستقیم در حقوق دارند. یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی که در کتب قواعد فقه و در میان برخی ابواب کتب فقهی نیز به آن اشاره و استناد شده است، قاعده «لایذهب دم امرء مسلم هدرآ» است که از آن به «دم المسلم لایذهب هدرآ» و یا «لایبطل دم امرء مسلم» و یا «لا یطل دم امرء مسلم» و یا «هدر نشدن خون مسلمان» نیز تعبیر شده است. در شرایطی قصاص جانی که مرتکب جنایت بر نفس و یا عضو شده است امکان پذیر نیست؛ از این رو قانون‌گذار به جهت احتراز از هدر شدن خون مسلمان جزای نقدی تعیین نموده که از آن به دیه تعبیر شده است. به عنوان مثال در صورتی که قاتل معلوم نباشد مثل وقتی که جسد در مکانی رها شده و پس از مدتی پیدا شود و یا قاتل مالی نداشته باشد و عاقله او نیز تمکن مالی جهت پرداخت دیه نداشته باشند، و یا مقتول در ازدحام جمعیت تلف شود، حکومت دیه را به عهده می‌گیرد و آن را از بیت المال مسلمین می‌پردازد تا خون مسلمان هدر نشود.

در این نوشتار تلاش شده تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه مستقیم به منابع دست اول فقهی، و گاه حقوقی مهم‌ترین مسائلی که قاعده مذکور در آن به عنوان مبنای حکم فقهی قرار گرفته است را گردآوری کرده و کاربرد آن بررسی شود. بدیهی است باب قصاص، حجم قابل توجهی از موارد استناد به این قاعده را به خود اختصاص داده است. از جمله دستاوردهای این نوشتار می‌توان به یافتن مصادیق جدیدی برای مسئله ضمان در بحث اتلاف پزشک، و تعیین راهی برای پرداخت دیه مقتول در بحث تلف اجیر اشاره نمود. همچنین پلن این نوشتار به صورت دقیق و جزئی تنظیم شده است که این امر باعث جامعیت آن شده است.

| | |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| امضای استاد راهنما: | کلید واژه: |
| تاریخ: | ۱. لایذهب هدرآ ۲. قاعده لایطل ۳. حرمت خون مسلمان ۴. خون مسلمان ۵. خون بها |

فهرست مطالب

مقدمه پژوهش

- ۱- تبیین موضوع..... ۱۳
- ۲- پیشینه‌ی پژوهش..... ۱۳
- ۳- پرسش‌های پژوهش..... ۱۴
- ۴- ضرورت پژوهش..... ۱۴
- ۵- روش پژوهش..... ۱۵
- ۶- ساختار پژوهش..... ۱۵
- ۷- نوآوری..... ۱۶

فصل اول: کلیات

- مبحث نخست: بررسی مفردات قاعده..... ۱۹
- گفتار نخست: لا يَطْلُ..... ۱۹
- گفتار دوم: دم..... ۲۰
- گفتار سوم: هدر..... ۲۰
- گفتار چهارم: مسلم..... ۲۱
- بند نخست: «مسلم» در لغت..... ۲۱
- بند دوم: «مسلم» در اصطلاح..... ۲۲
- مبحث دوم: بررسی مستندات قاعده..... ۲۳
- گفتار نخست: کتاب..... ۲۳
- بند نخست: آیه ۳۳ سوره اسراء..... ۲۴
- بند دوم: آیه ۹۹ سوره نساء..... ۲۵
- گفتار دوم: سنت..... ۲۶
- بند نخست: صحیحہ محمد بن مسلم..... ۲۷
- بند دوم: معتبره ابوبصیر..... ۲۷

| | |
|--------------------------------------|----|
| بند سوم: محمد بن حمران | ۲۸ |
| بند چهارم: صحیحۃ مسعدة بن زیاد | ۲۸ |
| بند پنجم: عبدالله بن بکیر | ۲۹ |
| بند ششم: معتبره ابی بصیر | ۲۹ |
| گفتار سوم: عقل | ۳۰ |

فصل دوم: بررسی کاربردی قاعده لایطل در باب قصاص و حدود

| | |
|--------------------------------------------------|----|
| مبحث نخست: جنایت بر نفس | ۳۵ |
| گفتار نخست: معلوم بودن قاتل | ۳۵ |
| بند نخست: عدم مباشرت جانی در قتل | ۳۶ |
| الف: حرّ بودن قاتل | ۳۶ |
| ب: عبد بودن قاتل | ۳۷ |
| بند دوم: مباشرت جانی در قتل | ۳۹ |
| الف: کشته شدن شخصی توسط پدرش | ۳۹ |
| الف-۱: قتل با مشارکت فرد ثالث | ۴۰ |
| الف-۲: قتل مستقل | ۴۰ |
| ب: قاتل بودن شخصی غیر از پدر مقتول | ۴۱ |
| ب-۱: کشتن دو و یا چند شخص حرّ توسط حرّ | ۴۱ |
| ب-۲: قتل مسلمان در معرکه به گمان کافر بودن | ۴۳ |
| ب-۳: قتل با کمک حیوان | ۴۴ |
| ب-۴: مقتول بودن صبی | ۴۴ |
| ب-۵: قطع دست شخصی و کشتن دیگری | ۴۵ |
| ب-۶: قسامه | ۴۵ |
| ب-۷: غائب بودن یکی از دو ولی مقتول | ۴۸ |
| ب-۸: دفاع از نفس | ۵۱ |
| ب-۹: تصادم بینةها | ۵۱ |
| گفتار دوم: مجهول بودن قاتل | ۵۲ |
| بند نخست: مجهول بودن از جهت مصداق | ۵۲ |
| الف: گریختن قاتل | ۵۲ |
| الف-۱: به اعتقاد برخی از محققان | ۵۲ |
| الف-۲: | ۵۳ |

- الف-۳:..... ۵۴
- الف - ۴:..... ۵۵
- الف - ۵:..... ۵۵
- ب: رها شدن مقتول در بین قومی و یا روستایی..... ۵۶
- ج: پیدا کردن جسد در مکان عمومی..... ۵۷
- د: ديه در فرض اسقاط دعوی..... ۵۸
- بند دوم: مجهول بودن از جهت عنوان..... ۵۹
- الف: بریدن سر انسانی که زنده بودن وی معلوم نیست..... ۵۹
- ب: قتل در اثر اجرای حد..... ۶۱
- ۶۳ **مبحث دوم: جنایت بر عضو**
- ۶۳ **گفتار نخست: قطع عضو کردن از چند نفر**
- ۶۵ **گفتار دوم: سرایت جنایت**
- ۶۵ **بند اول: قطع عضو شخصی و کشتن دیگری**
- ۶۶ **بند دوم: قصاص جانی قبل از مرگ مجنی علیه**
- ۶۷ **گفتار سوم: جنایت بر عضو کافر حربی و یا مرتد**
- ۶۷ **نتیجه گیری:**

فصل سوم: بررسی کاربرد قاعده لایطل در باب دیات

- ۷۱ **مبحث نخست: قتل خطئی**
- ۷۲ **گفتار نخست: اتلاف غیر به سبب غلتیدن در خواب**
- ۷۴ **گفتار دوم: قتل به سبب خطای پزشک**
- ۸۱ **گفتار سوم: ضمان صادم**
- ۸۲ **گفتار چهارم: قتل مرتدی که توبه کرده به گمان کافر بودن**
- ۸۳ **گفتار پنجم: تلف اجیر**
- ۸۳ **گفتار ششم: حفر گودال در ملک شخصی**
- ۸۴ **مبحث دوم: قتل عمد**
- ۸۵ **گفتار نخست: هلاکت قاتل قبل از قصاص**
- ۸۵ **گفتار دوم: قتل دو یا چند نفر**

جمع بندی و نتیجه گیری:..... ۸۹

فهرست منابع و مآخذ..... ۹۱

مقدمه پژوهش

۱- تبیین موضوع

قواعد فقه قواعدی است که دربردارنده حکمی عام بوده و از تطبیق آن‌ها بر مصادیق خارجی‌شان احکام جزئی به دست می‌آید که همگی مصداقی برای آن حکم می‌باشند. از این رو قواعد فقه دارای اهمیت فراوانی در فقه بوده و از آنجا که قانون جمهوری اسلامی ایران نیز به طور مستقیم بر مبنای حقوق اسلامی و قواعد فقه امامیه استوار شده است، می‌توان گفت قواعد فقه در حقوق و قوانین کشور نیز نقش قابل توجهی دارند. یکی از همین قواعد که هم در فقه و هم در حقوق جزا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، قاعده «لَا يَطُلُّ دَمُ امْرٍءٍ مُسْلِمٍ» است که بر اساس این قاعده خون مسلمان، محترم بوده و نباید هدر شود.

در شرایطی قصاص قاتل امکان پذیر نیست، مثلاً در شرایطی که قاتل معلوم نیست مانند وقتی که مقتول پس از مدتی در گوشه‌ای از شهر پیدا می‌شود و یا اینکه قاتل از چنگ قانون گریخته و عاقله او نیز تمکن مالی جهت پرداخت دیه مقتول ندارند؛ در چنین شرایطی با توجه به قاعده مذکور دیه او از بیت المال پرداخت خواهد شد. البته موارد کاربرد این قاعده در این دو مورد خلاصه نشده که در نوشتار به طور مفصل به آن خواهیم پرداخت.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

تا کنون پژوهشی با رویکرد کاربرد این قاعده به طور خاص در متون فقه امامیه انجام نگرفته است بلکه بیشتر این قاعده در متون حقوقی و با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان می‌توان به پایان‌نامه‌های ذیل اشاره کرد:

- پایان نامه کارشناسی ارشد با موضوع «قاعده لایبطل دم امری مسلم» پدیدآورنده: زینب جنیدی مقدم استاد راهنما: عبدالعلی توجهی دانشگاه مذاهب اسلامی / دانشکده فقه و حقوق سال ۱۳۹۳ (ایران داک)
- بررسی قواعد فقهی مربوط به احترام خون و حیثیت افراد / پدیدآورنده: جعفر شیخلوی؛ استاد راهنما: عبدالرضا لطفی دانشگاه تبریز، پردیس خودگردان سال ۱۳۹۵ (ایران داک)
- قاعده ارزش خون انسان / پدیدآورنده: احمد عابدینی / مجله فقه تابستان ۱۳۸۳ سال یازدهم شماره ۲ (نورمگز)
- مبانی قاعده ابطال ناپذیری خون محترم با رویکردی به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نوشته ابولفضل علیشاهی قلعه جوقی و طیبه احمدی / مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی بهار و تابستان ۱۳۹۷ شماره ۲۱ علمی پژوهشی (نور مگز)

۳- پرسش‌های پژوهش

این پژوهش برای یافتن پاسخی به پرسش‌های زیر است:

پرسش اصلی: دامنه کاربردی این قاعده در متون فقه امامیه تا کجا است؟

پرسش فرعی: مستندات قاعده لایبطل چیست؟

۴- ضرورت پژوهش

این قاعده یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است که علاوه بر کاربرد آن در خود فقه، اثر مستقیمی نیز در قانون مجازات اسلامی دارد. از این رو تحلیل و بررسی دقیق قاعده مذکور و موارد کاربرد آن در فقه می‌تواند علاوه بر پی بردن به اهمیت و احترام خون، به پر کردن خلأهای قانون و نیز شناخت هر چه بهتر مصادیق و مجاری آن کمک به سزایی نماید.

۵- روش پژوهش

نوشتار حاضر با روش توصیفی / تحلیلی و شیوه‌ی گردآوری کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و منابع دسته‌اول که غالباً دارای متن عربی بوده و پژوهشگر خود آن را به فارسی ترجمه نموده است، به تحلیل داده‌ها به صورت تعریف و تبیین آن‌ها و مقایسه‌ی آراء و نظرات که گاه با نقد و بررسی نیز همراه بوده، گردآوری شده است.

۶- ساختار پژوهش

نوشتار حاضر از سه فصل تشکیل شده است که فصل اول به بیان کلیاتی مانند بررسی مفردات قاعده «لَا يَطُلُّ دَمُ امْرٍءٍ مُسْلِمٍ» و مستندات آن و فصل دوم به بیان کاربرد قاعده در باب‌های قصاص و حدود و فصل سوم به کاربرد قاعده در باب دیات پرداخته است. چنانچه ذکر شد باب قصاص بخش قابل توجهی از موارد و مصادیق کاربرد قاعده را به خود اختصاص داده است.

پلان نوشتار از سه فصل و شش مبحث و بیست گفتار و چهارده بند و شماره‌گذاری به صورت فرانسوی تشکیل شده است که جزئی بودن آن نشانگر دقت و اشراف پژوهشگر در طبقه‌بندی فیش‌ها و یادداشت‌های متنوعی است که جمع‌آوری نموده است.

عناوین پلان به شکل خاصی نو و متنوع بوده به گونه‌ای که شاید در نگاه اول برای خواننده کمی عجیب به نظر برسد؛ لکن ابداع این عناوین همگی با دقت و وسواس خاصی انجام شده است که به نوشتار جامعیتی بخشیده تا هر موردی از مواردی که قاعده در آن کاربرد دارد را در خود جای دهد، حتا اگر در نوشتار ذکر نشده باشد.

هدف از ذکر پاره‌ای چند از مسائل حرّ و عبد در این نوشتار با وجود خروج آن از محل ابتلا به دلیل این است که به باور پژوهشگر روایاتی در مورد عبد وارد شده است که حکم آن

قابل تعمیم بوده و می‌توان از آن مسائل در جهت موضوعات مورد ابتلا بهره برد. به عنوان مثال: در دسته‌ای از روایات، عبد به شمشیر و یا تازیانه‌ای در دست مولای خویش تشبیه شده است.^۱ این تشبیه به این معناست که عبد صرفاً آلت و ابزار دست مولا در جهت انجام جنایت بوده و هیچ اختیاری از خود نداشته است. می‌توان این مطلب را به صغیر غیر ممیز نیز که از جمله مسائل مبتلی به است تعمیم داد. بنابراین وجود این مسائل در نوشتار، عاری از فایده نیست.

۷- نوآوری

تا کنون به این موضوع آن هم به طور خاص پرداخته نشده است و رویکرد مقالات و... به این موضوع بیشتر به صورت تطبیقی بوده است. بنابراین صرف بررسی کاربردی این قاعده در متون فقه امامیه، نوآوری محسوب می‌شود. به علاوه در این نوشتار سعی شده است تا با استفاده از روش تنقیح مناط به دامنه مصادیق این قاعده به نحوی افزوده شود که به عنوان مثال می‌توان به بحث پزشکی اشاره کرد.

۱. الصَّادِقُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي رَجُلٍ أَمَرَ عَبْدَهُ أَنْ يَقْتُلَ رَجُلًا فَقَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَ هَلِ الْعَبْدُ عِنْدَ الرَّجُلِ إِلَّا كَسَوْطِهِ أَوْ كَسَيْفِهِ يُقْتَلُ السَّيِّدُ وَيُودَعُ الْعَبْدُ السِّجْنَ. (مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۸۶)

فصل اول

کلیات

مبحث نخست: بررسی مفردات قاعده

گفتار نخست: لا يَطُلُّ

در لسان‌العرب از واژه «طَلَّ» به «هدر الدم» تعبیر شده است که به معنای پایمال شدن خون است.^۱

«لا يَطُلُّ» به ضمّ فاء، فعل ثلاثی مجرد منفی به لای نافییه است که در باب افعال نیز استعمال دارد: (أَطَلَّ يَطُلُّ إِطْلَالًا) و به معنای هدر رفتن و پایمال شدن می‌باشد. جوهری گوید:

أبو زيد: طَلَّ دَمَهُ فَهُوَ مَطْلُولٌ. و قال:

دماؤهم ليس لها طالبٌ مَطْلُولَةٌ مثل دم العُدْرَةِ

یعنی: آنان خون‌خواهی ندارند. خون‌های آنان مانند خونی که از کودک به سبب ختان ریخته می‌شود هدر شد.

و أَطَلَّ دَمَهُ، وَ طَلَّهُ اللَّهُ وَ أَطَّلَهُ، أَهدره.^۲

در میان اهل لغت این اختلاف وجود دارد که این واژه تنها به صورت متعدی استعمال شده و یا به صورت متعدی و لازم کاربرد دارد. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به مجمع البحرین و تاج العروس و مصباح المنیر فیومی و النهایة جزری مراجعه کنید.^۳

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ج ۱۱، ص ۴۰۵. «طلل»

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، ص ۲۳۰

۳. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۵ ص ۴۱۲؛ مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر

القاموس، ج ۱۵، ص ۴۳۸ و ج ۱۱، ص ۲۰۲؛ فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر

الرافعی، ج ۲ ص: ۴۶۵؛ جزری، ابن اثیر، مبارک، النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۴، ص ۲۱۵.

گفتار دوم: دم

«دَم» به معنای خون است. اصل آن «دَمی» است (بر وزن دلو) و بعضی اصل آن را «دَمو» می‌دانند که البته این نظر به حقیقت نزدیک‌تر است.

کلمه «دم» هفت بار و «دماء» که جمع آن است سه بار در قرآن مجید ذکر شده است.^۱ مانند: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ»^۲ و «أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ»^۳ البته درباره ریشه‌ی واژه‌ی «دم» که از چه کلمه‌ای گرفته شده است در میان اهل لغت اختلاف است.^۴ برخی اصل آن را «دَمی» و برخی «دَمی» و بعضی دیگر «دَمو» می‌دانند.^۵

به نظر می‌رسد استفاده از واژه‌ی دم در این قاعده به نحو کنایه و یا به عنوان قید غالبی باشد، زیرا حیات انسان به خون وابسته است و غالباً جنایات نیز با ریخته شدن خون صورت می‌پذیرد، گرچه گاهی ممکن است شخصی را به سبب خفگی به قتل رسانند، لکن قاعده شامل این موارد نیز می‌شود.

گفتار سوم: هدر

«هَدْر» به معنای چیزی است که باطل شده است: **الْهَدْرُ: مَا يُبْطَلُ.**

۱. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰.

۲. بقره / ۱۷۳ «خداوند فقط چیزهای پلید از قبیل مردار، خون، گوشت خوک، ... بر شما حرام کرده است»

۳. بقره / ۳۰ «آیا کسی را در زمین جانشین قرار میدهی که در آن فساد میکند و خون‌ها میریزد؟!»

۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۷۴.

۵. مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

علاوه بر مصدر آن که گاه در قالب مفعول مطلق استعمال می‌شود، به صورت فعل لازم و متعدی ثلاثی مجرد و باب افعال نیز کاربرد دارد، مانند: هَدَرَ دُمَهُ يَهْدِرُ هَدْرًا، و أَهْدَرْتُهُ أَنَا إِهْدَارًا یعنی خون‌اش باطل شد (پایمال شد و از بین رفت) و من خون او را باطل کردم.^۱

در لسان العرب نیز «هدر» به «باطل شدن» معنا شده است.^۲

در کتاب صحاح «ابطال» به معنای «اباحه» و مباح کردن یک چیز معنا شده است. همچنین هدر شدن خون اینگونه معنا شده که خون بدون قصاص و دیه باقی بماند. و نیز «هَدْرَةَ» و «هَدْرَةَ» به معنای «ساقط» معنا شده است.^۳ و در معجم مقائیس اللغة نیز «هدر» به «سقوط شیء» معنا شده است.^۴

بنابراین می‌توان گفت واژه‌ی «هدر» در رابطه با خون به این معنا است که خون از درجه اعتبار به نحوی ساقط شود که نه دیه بر آن تعلق گیرد و نه قصاص برای جانی تعیین شود. چنین خونی در حقیقت باطل شمرده می‌شود.

گفتار چهارم: مسلم

بند نخست: «مسلم» در لغت

«مُسْلِم» اسم فاعل و از ریشه «س_ل_م» گرفته شده است.

۱. خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۴، ص ۲۲

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۵ ص ۲۵۷

۳. و ذهب دم فلان هَدْرًا و هَدْرًا بالتحریک، أی باطلًا لیس فیهِ قَوْدٌ و لا عَقْلٌ. (جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج

اللغة و صحاح العربیة، ج ۲ ص ۸۵۲)

۴. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ج ۶ ص ۳۹

«سَلِم» و یا «سَلَم» بیشتر به معنای صحت و عافیت است گرچه معانی شاذی هم دارد که بسیار اندک است. مصدر «سلامت» نیز از همین ریشه می‌باشد و به این معناست که انسان از اذیت و رنج در صحت و امان باشد.^۱

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که ایشان «مسلم» را اینگونه توصیف نمودند: مسلمان کسی است که مسلمین از دست و زبان او در صحت و عافیت باشند. یعنی باعث رنج و اذیت آن‌ها نشود.^۲

همچنین به عقیده برخی اهل لغت واژه «سلم» به معنای «صلح» است که در مقابل جنگ می‌باشد. همچنین به معنای «ترک جنگ» نیز به کار رفته است.^۳

برخی دیگر از اهل لغت معتقدند «سلم» به معنای «انقیاد» است و اشتقاق واژه‌ی «اسلام» از «سلم» نیز بر همین مبناست. بنابراین اسلام یعنی اظهار خضوع و عمل در چارچوب دین و التزام به هرآنچه که رسول خدا بر آن مبعوث شده است و با همین اظهار و التزام و فرمانبرداری خون انسان هدر نخواهد شد.^۴

بند دوم: «مسلم» در اصطلاح

اسلام دارای دو مرتبه است: اولین مرتبه که تنها با اقرار و اعتراف با زبان صورت می‌پذیرد مرحله‌ای پایین‌تر از ایمان دارد که موجب احترام یافتن خون و حفظ آن از هدر شدن می‌شود.

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۹۰

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۲

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۹۳

۴. همان.